

حکمت گونه‌گونی روزی‌ها از دیدگاه قرآن

محمدعلی مهدوی راد*
مهدی عبداللهی پور**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۱۸

چکیده

بی‌گمان یکی از مهم‌ترین نیازهای آدمی، نیاز به رزق و روزی است؛ به همین دلیل، خدای سبحان، که به همه چیز آگاه است، روزی‌رسانی را عهده‌دار شده و در قرآن کریم تضمین روزی‌ها را وعده داده است؛ از سوی دیگر، درنگ در زندگی نزدیکان و دیگر هم‌نوعان مان، این حقیقت را آشکار م، که گونه‌ای نابرابری در میزان بهره‌مندی از روزی میان آن‌ها وجود دارد؛ مسأله‌ای که ناشناخته‌ماندن فلسفه وجودی آن، تردیدها و شبهه‌هایی را در ذهن برخی ایجاد کرده و لرزش پایه‌های ایمان به عدل الهی را در این گروه سبب شده است. در این نوشتار، افزون بر بیان مفهوم رزق و ارائه تفسیر صحیح از آموزه وعده تکفل روزی‌ها، فلسفه گونه‌گونی روزی‌ها و سازگاری این مقوله با عدالت الهی بررسی شده و سرانجام، حکمت عدم افاضه روزی مبسوط بر همگان از جانب خداوند واکاوی شده است.

کلیدواژه‌ها: رزق، تفاوت، گونه‌گونی، عدالت، حکمت، مصلحت.

* عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کردستان، کردستان، ایران.
abdollahipour@yahoo.com

** دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، اهواز، ایران.

طرح مسأله

هرگاه سخن از «انسان» به میان می‌آید، بی‌درنگ «نیازمندی‌های او» از نخستین مسائلی است که از ذهن می‌گذرد. در میان گسترهٔ نیازهای بشری، شماری از اهمیت ویژه برخوردار است و برآورده شدنشان، شرط لازم (نه کافی) ادامه یافتن حیات و تضمین دنباله‌داری زندگی تلقی می‌شود. پوشیده نیست که نیاز آدمی به «رزق و روزی» از بارزترین نیازهای ویژه و نخستین او به شمار می‌آید که برطرف نشدن آن می‌تواند قرار گرفتن انسان در سراسیمگی نابدی و نیستی را رقم بزند؛ چه، بقای آدمی منوط به بهره‌مندی وی از روزی است و فراهم نشدن آن برای وی با حکمت متعالیهٔ پروردگار منافات دارد. از این‌رو، بر خداوند سبحان که آفرینندهٔ بشر است، شایسته نیست انسان را بیافریند اما نیازها و احتیاج‌هایش را در نظر نگیرد و بدون آن که اسباب بقا و ادامهٔ حیاتش را فراهم آورد او را به حال خود رها کند! به بیان بهتر، آگاهی خداوند از همهٔ نیازهای بشر، به ویژه نیاز وی به «روزی»، اقتضای مقام ربوبی پروردگار است. از این‌رو در قرآن کریم، تضمین و تکفل روزی‌ها وعده شده است. از سوی دیگر، با نگرشی سطحی در محیط پیرامون مان، به روشنی درمی‌یابیم که بهره‌مندی افراد از این نیاز همه‌گیر «برابر» نیست؛ بدین معنا که برخی مردمان از «روزی اندک» و در مقابل، گروهی دیگر از «روزی گسترده» برخوردار هستند. آن‌گاه که مسألهٔ گونه‌گونی روزی‌ها از بستر نیم‌نگاهی به واقعیت‌های تحقق یافته در زندگی بشری نمود می‌یابد، این پرسش به ذهن می‌آید که با در نظر گرفتن وعدهٔ پروردگار در قرآن کریم مبنی بر تضمین روزی‌ها، اساساً حکمت این تفاوت‌ها چه می‌تواند باشد و آیا به راستی این تفاوت‌ها با عدالت الهی سازگار است؟! این پژوهش در پی آن است که ضمن پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، فلسفهٔ عدم بهره‌مندی همگان از روزی سرشار را نیز واکاوی کند.

۱. بررسی مفهوم «رزق»

آرا و نظریات عالمان لغت در مورد مفهوم «رزق» نشان می‌دهد که این واژه از نگاه آنان به معناهای گوناگونی چون: «آنچه از آن سود می‌برند»، «عطا و بخشش»، «غذا و معاش»،

«نبوت و علم» و امثال آن تعبیر شده است.

با توجه به معانی ارائه شده از سوی صاحب‌نظران، می‌توان معنای «رزق» را این‌گونه بیان کرد: «رزق» عطا و بخششی است که از آسمان فرود آمده و موجود زنده برای بقا و ادامه حیات خود، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از آن بهره‌مند می‌شود.

بدیهی است که این تعریف، تنها مادیات را دربر نمی‌گیرد و اگر مردم واژه «رزق» را منحصر به امور مادی و بخصوص «خوراکی‌ها» بدانند، از باب تغليب است؛ زیرا کاربرد این واژه در امور مادی و خوردنی‌ها ملموس‌تر است. به‌علاوه، آن‌گونه که از تعریف جامع یادشده درباره «رزق» برداشت می‌شود، این واژه را به هر معنا تعبیر کنیم، شرط «انتفاع و بهره‌مندی» (ابن‌خلدون، بی‌تا: ۳۸۱) از آن به قوت خود باقی خواهد ماند. پرواضح است، مادامی که بهره‌مندی از روزی میسر و ممکن نباشد، به کارگیری تعبیر «رزق» ناصواب خواهد بود.

پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که: «وسعت و تنگی رزق» و «کثرت مال» دو مقوله جدا از هم هستند و نباید آن‌ها را یکی قلمداد کرد.

۲. تفاوت روزی‌ها

اینک پس از فهم دقیق مفهوم رزق، این حقیقت بروز می‌کند که بهره‌مندی همگان از روزی برابر نیست؛ از این‌رو، گاه آن است که فلسفه وجودی این گونه‌گونی بررسی شود.

۲.۱. تفاوت روزی‌ها، عامل بقای آفرینش

از جمله دلایلی که درباره «تفاوت روزی‌ها» می‌توان بیان کرد این است که مسأله گونه‌گونی روزی‌ها، در حقیقت «بقا و دوام نظام آفرینش» را سبب خواهد شد؛ به بیان بهتر، اگر چنانچه خداوند همگان را از روزی «همسان و یک‌اندازه» برخوردار کند، آنگاه نه دیگر «ارباب» معنا دارد و نه «برده»، نه «رئیس» و نه «مرؤوس»، و نه «مستمند» و نه «متمول» (شوکانی، ۱۴۲۰، ج ۴: ۶۶۳). بدیهی است در چنین نظامی که همه افرادش به لحاظ بهره‌مندی از روزی با هم برابرند، جز فساد، زوال و تباهی (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۲۴۸) باقی نمی‌ماند.

بر این اساس، می‌توان دریافت که خداوند «مدبرانه و حکیمانه» روزی‌ها را نابرابر قرار داد تا برخی از مردمان را توانمند و برخی دیگر را ناتوان کرده باشد و از این طریق گروهی را در تسخیر گروه دیگر درآورد.

به دیگر سخن، اگر بنا باشد در جامعه‌ای همگان از روزی هم‌اندازه بهره‌مند شوند، دیگر انگیزه‌ای برای پیشرفت، ترقی و تعالی باقی نمی‌ماند و این مفاهیم معنای خود را از دست خواهند داد؛ در چنین وضعیتی، ناکارآمدی عناصری چون تلاش و کسب و کار (جمالی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۶) در افزایش و کاهش روزی‌ها به باوری فراگیر تبدیل می‌شود که با نهادینه شدن این باور از یک‌سو، و افزون شدن این اعتقاد که انسان در دستیابی به روزی خود و دگرگونی میزان آن هیچ دخالتی ندارد و هرگونه تأثیر آدمی در این گستره منتفی است، از دیگر سو، رفته‌رفته پدیدهٔ شوم «رکود و خمود» بر جامعه سایه می‌افکند. بدیهی است که چنین جامعه‌ای با شتاب راه سقوط و فروپاشی را می‌پیماید.

نکتهٔ دیگری که از مقولهٔ گونه‌گونی و ناهمسانی روزی‌ها برداشت می‌شود، آن است که نیازمندی افراد جامعه انسانی به یکدیگر علاوه بر حفظ دوام و بقای نظام آفرینش، بی‌نیازی «خداوند» را نیز آشکار می‌کند و یگانگی و وحدانیتش (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۸۵۷) را به اثبات می‌رساند؛ به دیگر سخن، این‌گونه به نظر می‌رسد که مفهوم بی‌نیازی از جمله مفاهیمی است که از بستر به فعلیت رسیدن مفهوم مخالفش معنا خواهد یافت. در جامعه‌ای که «نیازمندی» در آن مفهومی غریب به شمار آید، ارزش و مزیت «بی‌نیازی» درک نخواهد شد؛ از این‌رو خدای سبحان، از راه نیازمند کردن نوع بشر، فضیلت بی‌نیازی را تنها در وجود خود منحصر کرد و این ویژگی در راستای اثبات یگانگی‌اش کارآمد است.

۲.۲. تفاوت روزی‌ها، بستر تجلی آزمون الهی

آزمون الهی، از جمله مقوله‌های پر بسامد در قرآن کریم است که در بسیاری از آیات بر جزمیت وقوع آن تأکید شده است. بدیهی است، هرگاه سخن از آزمون به میان می‌آید، ابزارها و شرایطی نیز برای برگزاری آن ذهن را مشغول می‌کند که از جمله بایسته‌ها در تحقق و به

فعلیت رسیدن آزمون، وجود ظرف و مجرای است که آزمون از بستر آن بروز می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که مقوله تفاوت روزی‌ها، از آن‌رو که شمولیت دارد، یکی از مهم‌ترین «بسترهای وقوع» است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۲۴؛ و طبرسی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۲۳-۲۲۴).

گفتنی است، اگرچه گونه‌گونی روزی‌ها محلّ ابتلا است و هر دو گروه توانگر و نیازمند، به واسطه آن سنجیده می‌شوند، اما آزمون هر یک از گروه‌های یادشده متفاوت از یکدیگر و به فراخور احوال‌شان خواهد بود؛ بدین معنا که توانگران از بستر بخشش و دهش (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۲۰) به نیازمندان و دستگیری از آنان آزمایش می‌شوند و محلّ ابتلای مستمندان، صبر و بردباری (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۷: ۳۸) و پرهیز از ناشکری و ناسپاسی به درگاه الهی تلقی می‌شود.

البته همان‌گونه که گفته شد، آزمون‌های الهی جملگی بدان دلیل انجام می‌شود که «انسان» به حقیقت خویش پی‌برد و نسبت به جایگاه خود در مسیر عبودیت پروردگار و فرمان‌برداری از ذات احدیت شناخت پیدا کند؛ وگرنه خداوند به همه احوال انسان، چه پیش از آزمون و چه پس از آن، اشراف کامل دارد و در جهان آفرینش هیچ چیزی بر خداوند پوشیده و مبهم نیست (بحرانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۶۲).

البته باید این نکته را یادآور شد که از جمله رازهای تنگی و وسعت روزی‌ها، آزمایش هر دو گروه توانگر و نیازمند است. اما غافلان و ناآگاهان، گشایش روزی را نشانه رجحان و برتری برخورداران از آن تلقی می‌کنند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۹: ۵۶) و روزی اندک را نشانه حقارت و خواری کم‌بهره‌گان برمی‌شمارند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۴۴۸). بر این اساس، قرآن کریم ضمن بیان باور یادشده از زبان این دسته، بلافاصله این چنین تفکری را با استفاده از لفظ «کَلَّا» (فجر/ ۱۵-۱۷) مردود اعلام می‌کند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مقوله گونه‌گونی روزی‌ها جدای از مقوله فضایل انسانی است.

۳.۲. مصلحت آفریدگان، عامل تفاوت روزی‌ها

از دیگر دلایلی که می‌توان در مورد مسأله گونه‌گونی روزی‌ها بیان کرد این است که

خداوند بر پایهٔ مصلحت بندگان، روزی آنان را گوناگون مقدر فرموده است. هر پدیده‌ای در این عالم، بر پایهٔ نظامی دقیق و حکیمانه شکل گرفته است. آنچه در اندیشهٔ اسلامی به عنوان مبنا و اصل مورد پذیرش واقع شده و در مورد آن اجماع شده است، مسألهٔ «حکمت پروردگار» (دانش، ۱۳۸۹: ۸۴) است که منشأ ظهور هر حرکت و خاستگاه آفرینش هر آفریده‌ای تلقی می‌شود؛ بدین معنا که خداوند از انجام فعل بیهوده «مبرا» است؛ لذا هر شیء از اشیای این عالم با «هدفی الهی» ایجاد شده و بر این اساس، «مشیت و اراده» (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۳۰) پروردگار بر پایهٔ تدبیر حکیمانه‌اش جاری و ساری می‌شود. به علاوه، «مقام ربوبی» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰: ۳۳۰) خداوند این گونه اقتضا می‌کند که حکمتش همواره بر پایهٔ «مصلحتی» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵: ۶۶) جریان یابد؛ از این رو، می‌توان چنین گفت که تفاوت روزی‌ها همچون سایر امور عالم، در گسترهٔ حکمت الهی و با اشراف کامل خداوند سبحان پدید می‌آید و با توجه به این که، در هر حکمت پروردگار مصلحت سنجی حضرتش نهفته است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که یکی از دلایل گونه‌گونی روزی‌ها حکمت آفریدگار است که بر پایهٔ «صلاح بنده» (خطیب بغدادی، بی‌تا، ج ۶: ۱۴-۱۵، ح ۳۰۴۴؛ و طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۹: ۴۰) جاری می‌شود. از مجموع آنچه تا به اینجا بیان شد، صحت این ادعا ثابت می‌شود که «مؤثر اصلی» در عرصهٔ تقدیر و به تبع آن، تفاوت روزی‌ها، حکمت آفریننده و مصلحت بنده است. از این رو و با توجه به این که مقام خداوندی آگاهی به «احوال» (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۸۸) همهٔ بندگان را اقتضا می‌کند، در افاضهٔ روزی به هر یک از ایشان، «مصلحت» او را در نظر می‌گیرد؛ آنگاه، چنانچه خیر و صلاح انسان در بهره‌مندی از روزی گشاده باشد، خداوند وسعت رزق را نصیبش می‌کند و چنانچه گشایش روزی، به مصلحت وی نباشد و فساد و تباهی او را سبب شود، سهمش در برخورداری از روزی اندک مقرر می‌شود. بر این اساس، عدم برخورداری آدمی از وفور نعمت و روزی فراخ، اشکال و ضعفی را متوجه خداوند نمی‌کند. با اثبات این مبنا در بهره‌مندی آدمی از روزی، می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد، که: اولاً، بر همگان لازم است که نسبت به آنچه از روزی برای‌شان مقدر شده، خشنود باشند

و تسلیم قضای الهی (مطهری، ۱۳۷۱: ۹۷) شوند؛ بدیهی است که این گونه اعتقاد راسخ و قطعی به حکمت و تدبیر الهی، که نتیجه‌اش «توکل و اعتماد» (نیشابوری، ۱۴۰۶: ۴۶۰) به خداست، ترس از فقر و بی‌چیزی را از میان می‌برد.

ثانیاً، می‌بایست باور کردن این حقیقت نهادینه شود که آنچه خداوند بر پایه حکمت مصلحت سنجش برای هر کس مقرر فرموده است، قطعی است و تغییر و دگرگونی در آن راه نخواهد داشت؛ هرچند وی همه «عناصر آفرینش» (ابن حمید، ۱۴۰۸: ۲۱۴، ح ۶۳۶) را در جهت زیادت یا نقصان آن به کار گیرد.

۳. تفاوت روزی‌ها، اثبات عدالت الهی یا نفی آن

از جمله پرسش‌های بنیادین در مقوله گونه‌گونی روزی‌ها این است که: «چنانچه گونه‌گونی روزی‌ها با اشراف خداوند و از جانب او ظهور و بروز می‌کند، آیا تفاوت شگفت‌آور روزی‌ها با عدل و داد الهی سازگار است؟ این پرسش از آنجا پدید می‌آید که خداوند در قرآن کریم، تضمین و تکفل روزی‌ها را وعده داده و فرموده است:

«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَيَّ اللَّهُ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي

كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود/۶)؛ «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر آن که خداوند

آرامگاه و ودیعت‌جایش را می‌داند و همه چیز در کتاب مبین ثبت است».

اگرچه این وعده پروردگار، گونه‌ای «وجوب» (آمدی، ۱۴۰۵، ج ۱-۲: ۸۶) را به ذهن متبادر می‌کند، اما از آنجا که «مجازات» (غزالی، ۱۴۲۱: ۱۹۷-۱۹۸) خداوند و نفوذ هر گونه «زیان» (همان) در وجودش ممکن نیست، تصوّر امر واجب بر گردن خداوند نیز محال است؛ به عبارت دیگر، مقوله وجوب در مورد موجودی قابل تصوّر است که چنانچه از وجوب «عدول» کرد، متضرر شود و امکان مجازات وی وجود داشته باشد؛ در حالی که وجود خداوند از زیان و گرفتاری در سختی مجازات مبرا است؛ از این رو، ثابت می‌شود که روزی‌رسانی «تفضل» خداوندی است نه امر واجبی بر گردن او و آن گونه که از معنای تفضل برمی‌آید،

گونه‌گونی و نابرابری در مقوله تفضّل قابل تصوّر است و محال نیست؛^۱ چه تفضّل کننده به دلخواه خود سهم دسته‌ای را افزون و در مقابل، سهم گروهی را اندک مقرر می‌کند. با وجود اثبات روزی رسانی تفضّلی (نه وجوبی) از سوی خداوند، آن‌گونه که پیشتر ثابت شد، انجام فعل عبث از خداوند محال است؛ از این رو، آنچه انجام می‌دهد بر پایه حکمت است؛ چه فهم این حکمت‌ها برای بندگان حاصل شود و چه به چنین معرفتی دست نیابند (احمدی، ۱۳۸۹: ۲۵).

اگرچه در بخش پیش گفته شد که حکمت پروردگار بر پایه مصلحت و منفعت آدمی جریان می‌یابد، اما در مورد این مطلب که کدام عنصر صلاح او را رقم می‌زند، سخنی به میان نیامد. بررسی آرای ارائه شده در این زمینه نشان می‌دهد که «استعداد و ظرفیت» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۳۱۲) انسان عامل تعیین کننده مصلحت وی است. از این رو و با توجه به این که ظرفیت و استعداد افراد گوناگون است، این نتیجه حاصل می‌شود که مصلحت آنان با هم تفاوت دارد و از آنجا که حرکت حکمت الهی بر پایه مصلحت بشر است، مشیّت و خواست خداوند برای هر یک از افراد بشر مختصّ خود اوست. بر این اساس است که روزی هر کدام با دیگری تفاوت دارد و برابر نیست. بدین سان، ثابت می‌شود که گونه‌گونی روزی‌ها نه تنها با عدالت الهی منافاتی ندارد، بلکه از آنجا که بنا بر «مصلحت» آنان افاضه می‌شود نیز تأییدکننده آن است.

۴. عدم بهره‌مندی همگان از روزی گشاده، چرا؟!!

از آموزه‌های قرآن کریم (حجر/۲۱) چنین برداشت می‌شود که گنجینه‌های نعمت الهی به حدّی فراوان است که می‌تواند روزی را در قالبی «مبسوط و گسترده» بر تک تک افراد جاری کند. اکنون این پرسش به ذهن می‌آید که چرا خداوند «روزی سرشار» خود را برای انسان‌ها نمی‌گشاید؟! چرا آدمیان را از بسط بی حدّ و حصر روزی محروم می‌دارد؟! آیا این مسأله، ردیله «بُخل» را در خداوند ثابت می‌کند یا در این مقوله نیز حکمت و مصلحتی نهفته است؟!!

۱. ر.ک. فراهیدی؛ افریقی مصری؛ ابن فارس؛ زبیدی؛ مصطفوی و ... ذیل ماده «ف.ض.ل».

بیشتر ثابت شد که هر آنچه در نظام آفرینش حادث می‌شود بر پایه حکمت و مصلحت الهی است و از سوی دیگر، مقوله تفاوت روزی‌ها نیز از این قاعده بیرون نیست. با توجه به این دو مقدمه می‌توان دریافت که عدم بارش سیل آسای روزی از آسمان، به رغم بی‌انتهای بودن و پایان‌ناپذیری گنجینه فضل و رحمت پروردگار، بی‌سبب نیست و حکمت و مصلحتی دارد.

در بیان حکمت و مصلحت امتناع خداوند سبحان از افاضه روزی سرشار بر آدمی، می‌توان از کتاب الهی کمک گرفت. خداوند در قرآن کریم آشکارا این پرسش را پاسخ گفته و می‌فرماید: «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ»؛ «و اگر خداوند عطایش را بر بندگانش توسعه می‌داد، در زمین ستم می‌کردند. اما او آنچه را بخواهد به اندازه‌های معین نازل می‌کند. همانا او به بندگانش آگاه و بیناست» (شوری/۲۷).

از این آیه شریفه، به روشنی می‌توان دریافت که با عنایت به وجود کشش‌ها و گرایش‌های زیاده‌طلبانه و برتری‌جویانه در سرشت آدمی، جریان یافتن روزی گسترده و باریدن وفور نعمت و رحمت و برکت بر انسان، ردایل اخلاقی نهفته در نهاد او همچون تکبر و خودبزرگ‌بینی را به حرکت درمی‌آورد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۵۹۹؛ و قرشی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۸۵-۸۶) و بساط ستمگری و نافرمانی را می‌گستراند (قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۷۶)؛ بدیهی است که در چنین وضعیتی، کمال مطلق پروردگار مخدوش می‌شود و دیگر نمی‌توان وجودش را از ضعف و اشکال منزّه و بری دانست! به بیان بهتر، بر خداوند قبیح است که انسان‌ها را از یک سو به فرمان‌برداری از خود امر کند و از سوی دیگر، بساط نافرمانی را میان آنان بگستراند! از این رو، خداوند از سر حکمت و مصلحت‌سنجی خویش، از بروز چنین اختلال و درهم‌ریختگی‌ای پیشگیری می‌کند و به سبب آگاهی کامل به احوال بندگان، با درایتی حکیمانه روزی هر یک از آنان را متناسب با خودشان تقدیر می‌فرماید.

نتیجه

از بررسی مسأله تفاوت روزی‌ها چنین برداشت می‌شود که فلسفه پیدایش این تفاوت‌ها،

حفظ نظام آفرینش، آزمودن صبر و شکر مستمند و توانگر، و حکمت و مصلحت‌سنجی خداوند حکیم است. اما از آنجا که روزی - فی حد ذاته - بر پایه تفضل پروردگار به انسان عطا می‌شود، کسی بر گردن خداوند حقی ندارد و اجازه اعتراض ندارد. از سوی دیگر، حکمت پروردگار بر پایه صلاح بنده جریان دارد و عامل تعیین‌کننده در مصلحت و منفعت آدمی نیز استعداد و ظرفیت خود وی است. از این رو، تفاوت روزی‌ها نه تنها منافی عدالت الهی نیست، بلکه مؤید و تقویت‌کننده آن قلمداد می‌شود؛ چه عدالت الهی این‌گونه اقتضا می‌کند که هر کس را برابر صلاحش روزی دهد؛ ضمن این که بر خداوند قبیح است که همگان را از روزی گشاده بهره‌مند کند. در این صورت، از یک سو تفاوت ظرفیت انسان‌ها را در برخورداری از روزی لحاظ نکرده، بدین سبب عدالتش مخدوش می‌شود و از سوی دیگر، بهره‌مندی همگان از روزی گشاده آنان را فاسد می‌کند و به طغیان و نافرمانی می‌کشاند که این امر با فلسفه آفرینش انسان که بندگی و عبودیت است، منافات دارد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کتابنامه

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ابن حمید، ابو محمد عبد. (۱۴۰۸). *المنتخب من مسند عبد بن حمید*، قاهره: مکتبه السنة.
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد. (بی تا). *مقدمه ابن خلدون*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹). *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- احمدی، فهیمه و منیرالسادات پورطالمی. (۱۳۸۹). «آسیب شناسی عبادت از منظر قرآن و حدیث»، *فصلنامه دین پژوهی و کتاب شناسی قرآنی فدک سبزواران* دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، ش ۱.
- آمدی، علی بن محمد. (۱۴۰۵). *الاحکام فی اصول الاحکام*، بیروت: دارالکتب العمیه.
- بحرانی، ابن میثم. (۱۴۱۲). *شرح نهج البلاغه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بحرانی، سیدهاشم. (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.
- جمالی زاده، حسین. (۱۳۸۹). «جایگاه کار در زندگی انسان»، *فصلنامه دین پژوهی و کتاب شناسی قرآنی فدک سبزواران* دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، ش ۱.
- حقی بروسوی، اسماعیل. (بی تا). *روح البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالفکر.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (بی تا). *تاریخ بغداد أو مدینة السلام*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دانش، جواد. (۱۳۸۹). «تأثیر فضایل و رذایل اخلاقی در معرفت الهی از دیدگاه ملاصدرا»، *پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)*، ش ۱۵.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، بیروت: دارالکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۲۰). *فتح القدر*، بیروت: دارالکتب العربی.
- شیرازی، صدرالدین. (۱۳۸۳). *شرح اصول کافی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۹). *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۱۳). *الاحتجاج*، قم: اسوه.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین و مطلع النیرین*، تهران: مرتضوی.
- غزالی، ابوحامد محمد بن محمد. (۱۴۲۱). *الاقتصاد فی الاعتقاد*، بیروت: مکتبه الهلال.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فضل الله، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۹). *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت: دارالملاک.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). *القاموس المحیط*، بیروت: مؤسسه الرساله.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۲). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۸۷). *تفسیر القمی*، نجف: مکتبه الهدی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). *انسان و سرنوشت*، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۷). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

